

محمد مرسی، قاتل‌های فرخنده و وهر سارانیف؛ مصر، افغانستان و آمریکا، تنها نقطه مشترک بین این آدم‌ها اعدام است. یکی مجرم سیاسی است و یکی قاتل و دیگری تروریست که برای تنبیه آنها اشد مجازات یا همان حکم اعدام صادر شده است. اعدام در ۱۴۰ کشور جهان لغو شده؛ دوسوم از کشورهای جهان این مجازات را از نظر قانونی لغو کرده‌اند یا عملاً آن را اجرا نمی‌کنند. باوجوداین، تنها در سال ۲۰۱۳ میلادی در ۲۱ کشور دنیا مجازات اعدام انجام شد. چراکه بسیاری هنوز بر این باورند که مجازات اعدام تأثیری در پایین‌آوردن جرم و جنایت دارد. از سوی دیگر بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند که مجازات اعدام حساسیت جامعه را در مورد اعمال خشونت کاهش می‌دهد و خشونت را پدیدهای عادی جلوه می‌دهد.

دادگاه‌تشریفاتی

چندماه پیش بود که زنی جوان با صورتی خونین و پای برهنه رو به دوربین موبایل‌های شهروندان کابل سعی می‌کرد چیزهایی بگوید، اما صدای ظریف و لرزان او در همه‌های که افراد متعصب و اوباش جاهل به راه انداخته بودند، شنیده نمی‌شد و فقط مشت و لگد بود که از هر طرف به سروصورتش حواله می‌شد. آن صدای لرزان فرخنده‌تنها به گوش شهروندان کابل که به گوش تمام جهانیان رسیده است؛ صدای لرزانی که تکرار می‌کرد: «من بی‌گناهم!» و حالا پس از گذشت نزدیک به ۵۰ روز، یک دادگاه در کابل حکم ۳۰ نفر از متهمان پرونده فرخنده را صادر کرده بنابر این حکم، چهار مرد به جرم قتل فرخنده، زن ۲۷ساله افغان، به اعدام محکوم و هشت نفر دیگر به ۱۶ سال زندان محکوم و ۱۸ نفر دیگر نیز از اتهام خود تبرئه شدند. هرچند که خانواده فرخنده دادگاه را «ساختگی» خواندند و عفو بین‌الملل حکم را ناعادلانه می‌داند و فعالان حقوق بشر نیز معتقدند در صدور حکم نهایی در مورد متهمان پرونده قتل فرخنده باید دقت صورت می‌گرفت چراکه در غیر این صورت داور مردم نسبت به نهادهای قضائی از بین می‌رود و احتمال تکرار چنین حوادثی بیشتر خواهد شد.

اعدام پرحاشیه

در همین ماه‌های اخیر نیزص صدور حکم اعدام برای محمد مرسی نیز بحث‌برانگیز شد. همین چندروز پیش بود که دادگاهی در مصر حکم اعدام محمد مرسی را درخصوص پرونده فرار از زندان در سال ۲۰۱۱ صادر کرد که صدور این حکم، اعتراضاتی را چه در عرصه بین‌المللی و چه در حوزه داخلی داشت. چنانچه شهروندان مصری که در میان آنها زنانی کفن به‌دست مشاهده می‌شدند، را به اعتراض به حکم اعدام محمد مرسی، رئیس‌جمهور برکنارشده این کشور، به خیابان‌ها دادند و معتقدند که این حکم موجب بازگشت این کشور به دوره پیشین می‌شود. عفو بین‌الملل نیز از اقدام دادگاه مصر انتقاد و تأکید کرد: ارجاع پرونده مرسی و بیش از صد متهم دیگر به مفتی مصر نشان می‌دهد دستگاه قضائی مصر در وضعیت خوبی نیست و صدور چنین حکمی درواقع یک اقدام صوری است که هیچ‌گونه ارزش و اعتباری ندارد. عفو بین‌الملل همچنین اعلام کرد حکم اعدام به ابزاری در دست مقامات مصری برای ازین‌بردن مخالفان سیاسی تبدیل شده است و ما از مقامات مصر می‌خواهیم تا هرچه سریع‌تر محمد مرسی را آزاد کنند یا اینکه محاکمه‌ای عادلانه در حق وی انجام دهند.

استقبال نکردن حانه‌دیدگان آمریکااز حکم اعدام

آمریکا ازجمله کشورهای استی است که در آن اجرای حکم اعدام ممنوع است اما به‌تازگی «وهر سارانیف»؛ این متهم ۲۱ساله که از عوامل بمب‌گذاری ماراتن بوستون بود، از سوی هیأت‌منصفه دادگاهی در آمریکا به مرگ محکوم شد. وزیر دادگستری آمریکا با استقبال از تصمیم هیأت‌منصفه این حکم را متناسب با جرم متهم دانست؛ اجرای حکم اعدام با تزریق سم خواهد بود. گرچه ایالت ماساچوست مرگ را در سال ۱۹۸۲ لغو کرده، اما در این مورد خاص نه ایالت ماساچوست، بلکه دولت فدرال آمریکا ششای این پرونده بود. بنا به قانون، دولت فدرال آمریکا می‌تواند برای مجرمان تقاضای مجازات اعدام بکند.

سمفونی اعدام در جهان

شادی شفيعی



هرچند همین حکم نیز اعتراض خانواده کم‌سرن‌ترین قربانی حملات تروریستی سال ۲۰۱۳ در شهر بوستون، را به‌همراه داشت و از دادستان عمومی این پرونده درخواست کرده‌اند که مجازات مرگ را برای تنها متهم این پرونده، دنبال نکند. مارتین ریچارد، پسر هشت‌ساله‌ای بود که در انفجارهای مسابقه دو ماراتن بوستون در ۱۵ آوریل سال ۲۰۱۳ کشته شد. پدر و مادر او، بیل و دنیس ریچارد، در روزنامه «بوستون‌گلوب» نامه‌ای نوشته و گفته‌اند اعدام جوهر سارانیف، تنها بمبگذار این انفجارها که اکنون زنده است، آرامشی برای آنها نخواهد آورد. پدر و مادر ریچارد گفته‌اند آنها از اعدام مسئول کشته‌شدن فرزند خود، پشتیبانی نمی‌کنند. همه افراد این خانواده خود از قربانی‌های انفجارهای بوستون هستند. پدر خانواده، بیل، برده‌های گوش‌هایش و شنوایی‌اش را برای سال‌ها از دست داد، مادر خانواده، دنیس، از یک چشم کور شد، دختر خانواده، جین، پای چپ خود را و مارتین هشت‌ساله جانش را از دست داد. این پدر و مادر به غیر از مخالفان با اعدام، توضیح داده‌اند که چنین حکمی برای بازماندگان قربانی‌ها و قربانی‌های بازمانده، آرامشی به ارمغان نخواهد آورد. آنها توضیح داده‌اند حکم اعدام، همه کسانی را که با این پرونده درگیر هستند، ناچار می‌کند که در یک فرآیند طولانی مدام در دادگاه‌های تجدیدنظر شرکت کنند. آنها پیشنهاد می‌کنند دادستان این پرونده به‌دنبال حکم حبس ابد بدون درخواست تجدیدنظر باشد.

آب‌اعدام لازم‌است؟

گاهی زیاده‌روی در رساندن یک پیام باعث کم‌رنگ‌شدن هدف اصلی آن می‌شود. برای مثال اصرار در چاپ پیام و تصویر هشداردهنده روی پاکت سیگار؛ دستمایه خنده مصرف‌کنندگان آن می‌شود. به طوری که گاهی افراد هنگام خرید سیگار به فروشنده می‌گویند: «یه پاکت از اون دو قلو‌ه‌ای‌ها بده!». مجازات بیش از اندازه در جامعه نیز سبب از بین‌رفتن حساسیت نسبت به آن مجازات و بی‌تفاوتی جامعه می‌شود. این یخشی از صحبت‌های امان‌الله قرانی‌مقدم در گفت‌وگو با «شرق» است. این آسیب‌شناس اجتماعی معتقد است مجازات وقتی ارزشمند است که با اصلاح فرد، از وقوع دوباره جرم جلوگیری کند و ادامه می‌دهد: در بعد اجتماعی نیز مجازات به‌طور اعم و اعدام به‌طور اخص، کوتاه‌ترین و ساده‌انگارانه‌ترین راه برای حل معضلات اجتماعی است. به گفته قرانی‌مقدم، اصولا مجازاتی قابل قبول است که وجه اصلاحی آن بر وجه تنبیهی‌اش غالب باشد و در ایده‌آل‌ترین شرایط از وجه تنبیهی تهی باشد؛ امری که اعدام از آن بی‌بهره است و غیر از بالابردن میزان ترس عمومی از انجام جرم، کارکرد دیگری ندارد. شاید این

بی‌رحمانه‌ترین روش‌های اعدام در همه زمان‌ها

نویسنده: جی سیمونز . مترجم: مهدی نوریان



برندگان، خائسان، افرادی که تفکرات ضدمسیحی داشتند و معمولاً بدترین مجرمان، استفاده می‌شد. این روش اعدام در دوره پادشاهی اسکندر مقدونی رواج زیادی یافت. اما هنوز در بعضی از کشورها استفاده می‌شود. روش‌های متفاوتی برای به‌صلیب‌کشیدن وجود داشت. معمولاً زندانی مجبور بود صلیب را که حدود ۴۵ کیلوگرم وزن داشت با خود به سمت محل اعدام بکشد. سپس بازوان او را به صلیب می‌بستند یا با کوبیدن میخ به‌مح‌های وی، او را به صلیب می‌کوب می‌کردند و صلیب را به حالت عمودی روی زمین نصب می‌کردند. معمولاً مرگ به‌خاطر ناتوانی شدید بدنی یا مشکل قلبی اتفاق می‌افتاد. بعضی اوقات به‌خاطر اینکه مجرم درد کمتری را متحمل شود، پاهای او را با گرز یا چماق خرد می‌کردند تا به‌تبع زدن، خفگی و کمبود هوا باعث پایان یافتن هرچه‌زودتر زندگی وی شود.

جوشاندن

در اعدام با استفاده از روش جوشاندن، در ابتدا مجرم را برهنه می‌کردند و درون دیگی پر از مایع درحال‌جوشیدن یا دیگی مملو از مایعی سرد که به‌مرور و با حرارت‌دادن به نقطه جوش می‌رسید، می‌انداختند. بعضی اوقات، جلایا با استفاده از طب‌هایی با بالابردن یا

زاویه

اعدام‌های ابتکاری

اعدامی‌که با نام اختصاری موش صحرایی نیز شناخته می‌شود، روشی بسیار خشن و دردناک بود که در سده‌های میانی در چین استفاده می‌شد. از این روش به‌عنوان «وحشیانه‌ترین تکنیک شکنجه در تاریخ یاد می‌کنند» و به این ترتیب بود که موش‌های صحرایی، زنده گوشت بدن مجرم را می‌خوردند. در ابتدا ظرفی سفالی که در آن چند موش صحرایی وجود داشتند روی بدن برهنه زندانی قرار می‌گرفت. سپس روی ظرف، چند قطعه زغال داغ قرار می‌گرفت و حرارت زغال باعث ترس و وحشت موش‌های صحرایی می‌شد و به این ترتیب، آنها سعی می‌کردند با خوردن گوشت بدن زندانی، راهی به خارج از ظرف پیدا کنند.

فقط عده کمی از مجرمان زنده می‌ماندند. بیشتر آنها از شدت خون‌ریزی ناشی از عفونت شدید ناشی از جراحات می‌مردند.

کاوکستانخ

کاو کستانخ که گاهی آن را گاو سیسیلی نیز می‌خواندند، روشی برای اعدام بود که توسط پریلاوس آتنی در سال ۵۶۰ قبل از میلاد مسیح ابداع شد. درون این کاو‌که از برنز ساخته شده بود، فضایی خالی وجود داشت و دری رو به بیرون روی شکم آن قرار داشت. مجرمان را در قفل بدن کاو می‌انداختند و در را قفل می‌کردند و زیر مجسمه آتشی برپا می‌کردند. آتش، فلز را می‌گذاخت و داغ می‌کرد تا اینکه مجرم داخل مجسمه از شدت شوختگی می‌مرد. با استخوان‌های سوخته‌شده مجرم، اغلب پرنده‌هایی ساخته می‌شد و در بازار به‌فروش می‌رفت.

سر گاو طوری با لوله‌هایی ساخته شده بود که فریادها و جیغ‌های زندانی را طوری به گوش می‌رساند که گویی کاوی گستاخ و خشمگین نعره می‌زند. پریلاوس یک‌بار این‌طور گفته که فریادها از طریق این لوله‌ها طوری به گوش می‌رسند که گویی رقت‌انگیزترین و حزن‌انگیزترین صدای عالم را می‌شنوی.

آهنگر پریلاوس آتنی، مخترع این وسیله، کاو برنزی‌اش را به فالاریس، حاکم اگریجنتمو سیسیل، به‌عنوان ابزار جدیدی برای اعدام‌کردن مجرمان هدیه کرد. اما بعد از آنکه او گاو را به فالاریس نشان داد، فالاریس شدت بی‌رحمی‌ای که در این روش اعدام وجود داشت دید، خشمگین شد و دستور داد خود پریلاوس را درون کاو بیندازند و زنده‌زنده کباب کنند. برخی گزارش‌ها مدعی هستند بعد از سقوط فالاریس توسط تله‌ماخوس در سال ۵۷۰، او خود نیز سرانجام قربانی همین کاو گستاخ شد.

این روش بسیار بی‌رحمانه اعدام که در یونانی با عنوان اسکافیسم نیز خوانده می‌شود، ریشه در ایران باستان دارد. در این روش، مجرم درون دو قایق باریک یا یک وان چوبی بزرگ به طوری قرار می‌گرفت که دست‌ها و پاهایش از آن محفظه بیرون بود. سپس مجرم مجبور می‌شد مقدار زیادی شیر و عسل را قورت دهد تا جایی‌که مبتلا به اسهال شدید شود. از طرف دیگر، مخلوطی از شیر و عسل نیز به قسمت‌های بیرونی بدن او مالیده می‌شد تا مکس‌ها و دیگر حشرات را به‌خود جذب کند. سپس او را با این حالت، در برکه یا دریاچه راکدی رها می‌کردند.

مواد مدفوعی از شخص بی‌دفاع، به‌آرامی خارج شده و محفظه را پر می‌کرد. خود این مسئله باعث جمع‌شدن حشرات بیشتری می‌شد و مجرم به‌خاطر این حشرات می‌مرد و هم در بدن او زادوولد می‌کردند. به مجرم هر روز آب و غذا داده می‌شد تا از تشنگی و گرسنگی نگیرد و مدت‌زمان به‌طول می‌انجامید. مرگ در این روش به علت‌های مختلفی ازجمله عفونت، اتفاق می‌افتاد.

نگاه

اعدام‌های اشتباهی



هیچ شک‌ی وجود ندارد که سیستم قضائی کشورهای مختلف، همچون انگلیس و آمریکا، در موارد حقوق‌جزا، سیستم کاملی نیست. این نقصان‌ها زمانی مشهود می‌شوند که شخصی بی‌گناه، اعدام می‌شود. اعدام‌های اشتباهی صدا سال است که اتفاق می‌افتد، اما تا ورود شواهد و مستندات دی‌ان‌ای و فناوری پیشرفته جرم‌شناسی، این افراد همان‌طوری که مجرم شناخته می‌شدند، گناهکار باقی می‌مانند.

امروز شواهد و مستندات براساس دی‌ان‌ای باعث شده است از سال ۱۹۹۲، ۱۵ز زندانی اعدامی تبرئه شوند و فقط هشت زندانی محکوم به

اعدام، بی‌گانه‌ی‌شان بعد از اعدام توسط مرکز اطلاعات اعدام، اعلام شد. در این مقاله به ۱۰ مورد از اعدام‌های اشتباهی مشهور می‌پردازیم.

کلاود جونز(Claud Jones)

کلاود جونز به جرم قتل صاحب یک مغازه در سال ۱۹۸۹ با نام الن هیلز‌ندگر، در سال ۲۰۰۰ اعدام شد. در روز چهاردهم نوامبر ۱۹۸۹، جونز مردی دیگر در نزدیکی یک مغازه مسکرات در شهر پوینت بلنک در ایالت تگزاس دیده شدند. یکی از آنها داخل ماشین ماند و دیگری داخل مغازه رفت و صاحب مغازه را کشت. شاهدان نمی‌توانستند اقرار به بینبند، اما جونز و دو نفر دیگر با ماجرای قتل مرتبط شدند. اگرچه جونز گفت او هرگز وارد مغازه نشده بود، اما آن دو نفر دیگر شهادت دادند که قاتل جونز بوده و سرانجام، آن دو از اعدام رهایی یافتند. عامل تصمیم‌گیری برای متهم‌کردن جونز تار موبی بود که در صحنه جرم پیدا شد. یک متخصص جرم‌شناسی تشخیص داد تار مو برای جونز بوده است و جونز محکوم به اعدام شد. در دهه ۱۹۹۰، تکنولوژی جرم‌شناسی توسعه نیافته بود و نمی‌توانست دی‌ان‌ای جونز و نمونه تار مو را با هم مطابقت دهد. در سال ۲۰۰۰ و پیش از اجرای حکم، وکلای جونز پیشنهاد دادند اجرای حکم به تعویق افتد و نمونه تار مو برای انجام تست دی‌ان‌ای فرستاده شود که این درخواست توسط همه دادگاه‌ها و فرماندار وقت تگزاس، جورج دالبیویش، رد شد و جونز اعدام شد. در تلاشی برای اثبات این موضوع که یک بی‌گناه اعدام شده، تار موی جونز در سال ۲۰۰۷ مورد تست دی‌ان‌ای قرار گرفت و مشخص شد آن تار مو برای مقتول بوده است.

دیوید اسپنس(David Spence)

دیوید اسپنس به جرم قتل سه نوجوان در سال ۱۹۸۲، ۱۵سال زنده و بعد اعدام شد. اسپنس به تجاوز، شکنجه و قتل دو دختر ۱۷ساله و قتل یک پسر ۱۸ساله محکوم بود. اسپنس برای کشتن یک دختر، اجیر شد، اما کارش را با کاشانه با کشتن این سه نوجوان به‌پایان برد. دیوید به اعدام محکوم شد، اما تبرئه شد. منابع معتبر، شک و تردید جدی‌ای در مورد گناه اسپنس داشتند، اما شواهد روشنی از انجام جرم توسط او به چشم می‌خورد، ازجمله اثر دندان‌های او بر بدن یک دختر مشاهده می‌شد. در نهایت، با وجود شواهد ضعیف و با شهادت همسر زندانی، اسپنس اعدام شد.

کارلوس دلونا(Carlos DeLuna)

کارلوس د لونا به جرم قتل واندا لوپز، کارمند فروشگاه‌ای در تگزاس، با سلاح سرد در سال ۱۹۸۹ اعدام شد. دو شاهد عینی، نقشی کلیدی در محکومیت د لونا بازی کردند. قبل از قتل-سرق، یکی از شاهد‌ها که در حال بنزین‌زدن بود، یک مرد را با چاقویی در جیب دیده و دیگری مردی را در حال مبارزه با زن فرسوده دیده بود. پلیس در جست‌وجوی اطراف فروشگاه، به دلونا شبیه با نامرتب و پاره‌پاره در آن اطراف پرسه می‌زد. پلیس به شواهد دیگر نظیر نمونه خون و اثر انگشت توجهی نکرد و فقط شهادت شاهدان را مورد توجه قرار داد. دلونا تا انتها هم بر بی‌گناهی‌اش اصرار داشت و درنهایت هم اعدام شد. درحالی‌که قاتل واقعی کارلوس هرئاندز که تپهکاری شناخته‌شده بود و حتی به قتل اقرار کرد، جان به‌در برد.

تیموتی ایوانز(Timothy Evans)

یکی از مواردی که سبب لغو حکم اعدام در انگلیس شد، اعدام اشتباهی تیموتی ایوانز بود. این مرد برای قتل دخترش در سال ۱۹۴۹ در خانه خود در ناتینگ‌هیل لندن محکوم به‌اعدام شد. ایوانز بی‌گناهی خود را بارهاوبارها اعلام کرد و همسایه‌اش، جان کریستی، را به قتل همسر و دختر خود متهم می‌کرد. تحقیقات پلیس و شواهد فیزیکی برای محکومیت ایوانز ضعیف بود. پس از محاکمه و اعدام ایوانز، کریستی به‌عنوان یک قاتل زنجیره‌ای، که مسئول قتل چندین زن در محل اقامت خود بود، شناخته شد. مبارزات گسترده و تحقیقات ۱۶ساله برای بی‌گناهی ایوانز انجام و سرانجام تأیید شد دخترش توسط کریستی کشته شده بود، به ایوانز عفو پس از مرگ اعطا شد. این مورد بی‌عدالتی، تأثیر بسیاری در تصمیم بریتانیا برای لغو مجازات اعدام داشت.

جوزف اودل(Joseph O'Dell)

جوزف اودل به جرم تجاوز و قتل زنی، در سال ۱۹۹۷ اعدام شد. اودل براساس نمونه خون و به‌دلیل سابقه زردی‌های کوچک، پیش از این زندانی شده بود. اودل بارهاوبارها اعلام بی‌گناهی کرد، ولی درخواستش در دادگاه‌های مختلف دیوان‌عالی کشور ویرجینیا، دادگاه منطقه فدرال و دیوان‌عالی کشور رد شد. او درخواست کرد دولت بار دیگر آزمایش دی‌ان‌ای خون او را انجام دهد، اما این اتفاق نیفتاد و او در برابر جوخه آتش قرار گرفت. پس از مرگش تحقیقات ادامه پیدا کرد و معلوم شد این حکم براساس نمونه‌خون اشتباهی صادر شده بود.

لئو جونز(Leo Jones)

لئو جونز به جرم قتل یک افسر پلیس در فلوریدا در سال ۱۹۹۸ اعدام شد. اگرچه جونز، ۱۲ساعت پس از قتل اعتراف کرد، اما او اعتقاد داشت با ساعت‌ها تهدید در بازجویی پلیس، این اعتراف به‌دست آمده است. او نتوانسته بود برای زمان درگیری، شهادی برای خود پیدا کند. دو افسر دستگیری پس از مدت کوتاهی با وجود خشونت در موردهای دیگر هم، آزاد شدند. با وجود درخواست‌های مکرر، با وجود دیگر مظنون بالقوه و شهادت شهود در حمایت از تبرئه جونز، حکم او توسط یکی دیگر از روش‌های منسوخ‌شده اعدام – صندلی الکتریکی – انجام شد.

توضیح

در روزنامه پنجشنبه ۲۸خرداد عکس خانم «نیره توکلی» اشتباه منتشر شده بود. از ایشان و خوانندگان «شرق» به‌خاطر این اشتباه پوزش می‌خواهیم.